

سلسلهٴ من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین ()
خداوند به هر کس اراده خیر داشته باشد او را در دین آگاهی
مهد

الأربعون النسائية

(40) حدیث در احکام بانوان

تألیف:
محمد بن شاکر الشریف

ترجمه:
إسحاق بن عبدالله دبیری العوضی
1382/1424 هـ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم
الحمد لله الذي خلق الزوجين الذكر والأنثى والصلاة

زن در اسلام نقش مهمی را ایفاء می کند، بعضی از امتهای قبل هیچ حقی را برای زن قائل نبودند، و حق او را از او سلب می کردند، ولی اسلام تمامی حقوق مشروع را به زن بازگرداند. زن نصف جامعه اسلام و بشریت را داراست، او مادر، خواهر، دختر، و و می باشد.

در قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ هر خطایی که بر مرد می شود، زن نیز شامل آن است، و هیچ فرقی بین زن و مرد در شریعت اسلام وجود ندارد، تنها فرقی که بین زن و مرد است در میراث می باشد، آنهم بسبب اینکه مرد مسؤولیت کامل کانون خانواده را به عهده دارد، و اوست که باید نفقه و هزینه تمامی افراد خانواده را

ولی با اینحال خواستیم با ترجمه کردن این احادیث که ویژه خواهران می باشد، خدمتی به آنها کرده باشیم و بدانند که به فراموشی سپرده نشده اند. امید است خداوند این عمل را خالص برای رضایت خود بگرداند، و از خوانندگان محترم التماس دعا داریم.

إسحاق بن عبدالله دبیری
ریاض ذی حجه 1423 هـ. ق
اسفند 1381 هـ. ش

برای ارتباط با مترجم می توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:
السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (11757) م. پ: (150103)
www.aqedeh.com

این مجموعه احادیث نبوی که متعلق به احکام

به همین تعداد در شرح آن کتابی نوشته ام، از خداوند علي القدير خواهانم آنرا از من قبول فرماید، و به من پاداش نيك عطا فرماید، و از اشتباهاتم بگذرد و گناهانم را ببخشد، و نيتم را اصلاح نماید، و مرا در گفتار نيك و عمل صالح و دور از فتنه و آشوب بمیراند. آمين.

محمد بن شاکر الشریف

مکه ي مکرمه روز پنج شنبه 1423/4/9 هـ.

[باب ماندن زن در خانه اش بهتر از خارج شدن از آن است، حتی اگر هم بسوی مسجد باشد]

1 - عبدالله بن عمر م از رسول الله ع روایت می‌کند که فرمودند: ((لا تمنعوا نساءكم المساجد، وبيوتهن خير لهن))⁽¹⁾.
 زنان خود را از رفتن به مساجد منع مکنید، و بی‌خانه‌هایشان (برای نماز خواندن) بهتر (و ثواب بیشتر) از مساجد دارد.

[باب جایز بودن خروج زنان برای قضای حاجت خود]

2 - عائشة ل از رسول الله ص روایت می‌کند که فرمودند: ((قد أذن أن تخرجن في حاجتكن))⁽²⁾.

(1) أبو داود وابن خزيمة.

(2) متفق عليه.

برای قضای حاجات و برطرف کردن آن به شما اجازه خروج از خانه داده شده است.

[باب اینکه خروج زن از خانه باعث مفسده و فتنه خواهد شد]

3 - عبدالله بن مسعود τ از رسول الله ص روایت می‌کند که فرمودند: ((إنَّ المرأةَ عورةٌ فإذا خرجت استشرفها الشيطان، وأقرب ما تكون من وجه ربها وهي في مقر بيتها))⁽¹⁾.

زن عورت است، و هنگامی که از خانه بیرون می‌رود شیطان او را زینت و آرایش می‌دهد، و نزدیکترین جا به خدایش درون خانه اش می‌باشد. استشرفها الشيطان: او را در چشم های مردان زینت و آرایش می‌دهد تا به او نگاه کنند، تا آنها را فاسد کند.

[باب اینکه نباید زن از خانه اش بیرون رود مگر به اجازه شوهر، و اگر اجازه نداد درست نیست خارج شود]

4 - عبدالله بن عمر κ روایت می‌کند که: ((كانت امرأة لعمر تشهد صلاة الصبح والعشاء في الجماعة في المسجد، فقيل لها: لِمَ تخرجين وقد تعلمين أن عمر

(1) صحيح. الترمذي وابن خزيمة، وابن حبان.

یکی از زنان عمرس نماز صبح و عشاء را در مسجد با جماعت ادا می کرد (در جماعت حضور می یافت)، پس به او گفته شد: چرا از خانه بیرون می روی (و نماز را با جماعت می خوانی) در حالیکه میدانی عمر از این کار خوشش نمی آید! در جواب گفت: چه چیز او را باز می دارد که مرا از این کار نهی کند؟ در جواب به او گفته شد: قول رسول الله ﷺ که می فرماید: کنیزان خدا (زنان) را از رفتن به مساجد منع مکنید.

[باب منع کردن زن از استعمال عطر و بوی خوش هنگام بیرون رفتن او به سوی مسجد و غیر از مسجد]

5 - أبو موسی أشعري س از رسول الله ﷺ روایت می کند که فرمودند: ((إذا استعطرت المرأة فمرت على القوم ليجدوا ريحها فهي كذا وكذا، قال قولاً شديداً، وفي لفظ: فهي زانية))⁽²⁾.

اگر زن به خود عطر و بوی خوش زد

(1) البخاري.

(2) حسن صحيح أخرجه أبو داود والترمذي والنسائي.

[باب منع کردن زنان از اظهار و آشکار نمودن زینت و آرایش هنگام بیرون رفتن از خانه]

6 - فضالة بن عبید τ از رسول الله ε روایت می‌کند که فرمودند: ((ثلاثة لا تسأل عنهم: رجل فارق الجماعة وعصى إمامه فمات عاصياً، وأمة أو عبد أبق من سيده فمات، وامرأة غاب عنها زوجها وقد كفاها مؤونة الدنيا فتبرجت بعده، فلا تسأل عنهم))⁽¹⁾.

سه نفر از آنها سؤال و پرسش مکن (که عذابشان شدید و دردناک است): مردی که از جماعت مسلمانان مفارقت کرد، و به امام و فرمانروای خود عصیان نمود، و در همان حالت فوت کرد، یعنی در حالت عصیان خود به امام فوت کرد.

و کنیز و برده ای که از ارباب خود فرار کرده فوت می‌کند، و زنی که شوهرش غایب است در حالیکه از متاع

(1) صحيح، أخرجه أحمد والبخاري في الأدب المفرد والحاكم.

تبرج: آشكار کردن زینت و آرایش خود برای مردان.

[باب نهي و منع کردن زنان از سفر بدون محرم]
 7 - عبدالله بن عباس ك از رسول الله
 ع روایت می‌کند که فرمودند: ((لا تسافر المرأة إلا مع ذي محرم، ولا يدخل عليها رجل إلا ومعها محرم، فقال رجل: يا رسول الله إني أريد أن أخرج في جيش كذا وكذا، وامرأتي تريد الحج، فقال: اخرج معها)). [متفق عليه].
 زن مسافرت نکند مگر اینکه با محرم خود باشد.

و هیچ مردی بر او داخل نشود، مگر اینکه با او محرم باشد، یکی از صحابه گفت: ای رسول خدا! من می‌خواهم با جیش و لشکر فلانی برای جنگ بروم، و زنم می‌خواهد به حج برود، رسول الله ع فرمود: با زن خود به حج برو.

[باب: اینکه بایستی در مسجد دروازه ای مخصوص و ویژه زنان باشد]

8 - نافع از عبدالله بن عمر ك از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: ((لو تركنا هذا الباب للنساء، قال نافع: فلم يدخل منه ابن عمر حتى مات))⁽¹⁾.

اگر این دروازه را فقط برای زنان می‌گذاشتیم، (یعنی فقط ویژه زنان بود) نافع گوید: ابن عمر ك بعد از این سخن از آن دروازه داخل نشد تا اینکه فوت نمود.

[باب: برای زنان رفتن به وسط و میان راه جایز نیست]

9 - أبو أسيد الأنصاري - در حالی که از مسجد بیرون می‌رفت و مردان با زنان در راه با هم اختلاط می‌کردند و در هم می‌میختنند - از رسول الله ﷺ شنید که به زنان چنین فرمودند:

((استأخرن فإِنَّه لیس لکن أن تحقن الطريق، علیکم بحافات الطريق، فكانت المرأة تلتصق بالجدار حتى إن ثوبها ليلعلق بالجدار من لصوقها به))⁽²⁾.

(1) حسن أخرجه أبو داود.

(2) حسن أخرجه أبو داود.

ای زنان کنار روید که برای شما به وسط راه رفتن جایز نیست، بر شماست که از کنار راه و جاده بروید، پس زن خود را به دیوار می‌چسپاند تا اینکه لباسش به دیوار می‌چسپید، چون به شدت خود را به دیوار می‌چسباند تا برود.

[باب: طواف کردن زنان بدون اختلاط و آمیزش با زنان]

10 - عن ابن جریج قال أخبرني عطاء - إذ منع ابن هشام النساء الطواف مع الرجال - قال: كيف يمنعهن وقد طاف نساء النبي ع مع الرجال؟ قلت: أبعد الحجاب أو قبل؟ قال: أي لعمرى لقد أدركته بعد الحجاب، قلت: كيف يخالطن الرجال؟ قال: لم يكن يخالطن، كانت عائشة ك تطوف حجرة من الرجال لا تخالطهم)) (1)

(عبد الملك) ابن هشام هنگام فرمانروائی خود طواف کردن زنان را با مردان منع کرد، گفت چگونه آنها را منع می‌کند در حالیکه زنان پیامبر ع با مردان طواف می‌کردند، گفتم: این حادثه بعد از نزول حجاب (فرض شدن حجاب) بود (یعنی طواف کردن زنان

(1) البخاري.

[باب: منع کردن مردان از داخل شدن به زنان
ناعمر]

11 - عقبه بن عامر τ از رسول الله
ع روایت می‌کند که فرمودند: ((إياكم والدخول
على النساء، فقال رجل من الأنصار: يا رسول الله أفرأيت الحو؟
قال: الحو الموت))⁽¹⁾.
وای بر شما که بر زنان داخل شوید
- با زنان خلوت کنید - مردی از
انصار گفت: ای رسول الله ما را از
دخول حمو با خبر کن؟ آنحضرت ع فرمود:
الحمو: الموت، یعنی مرگ است⁽²⁾.

(1) متفق علیه.

(2) حمو: یعنی مردی از نزدیکان شوهر.

یعنی خلوت کردن نزدیکان شوهر با زن مرگ آور است.

[باب: مجالس و كلاس درس مخصوص زنان در جاي مستقل از مردان در وقت احتياج به آن]

12 - أبو هريرة τ روایت می کند که زنی نزد رسول الله ε آمدند و گفتند: ((يا رسول الله ما نقدر عليك في مجلسك من الرجال، فواعدنا منك يوماً نأتيك، فقال: موعدكن بيت فلان، وأتاهن في ذلك اليوم ولذلك الموعد قال: فكان مما قال لهن يعني ما من امرأة تقدم ثلاثاً من الولد تحتسبن إلا دخلت الجنة، فقالت امرأة منهن: أو اثنان قال: أو اثنان))⁽¹⁾.

ای رسول خدا نمی توانیم در مجالس مردان شرکت کنیم، پس برای ما یک روز وعده بگذار تا در آن روز نزد تو بیاییم (برای کلاس درس)، رسول خدا ε در جواب فرمودند: وعده شما در خانه فلانی، و در همان روز در موعد گذاشته شده، آمد و از آنچه به زنان گفته بود این حدیث بود: هیچ زنی نیست که سه فرزند خود را از دست

در داخل شدن برادر شوهر و امثال آنها بر زن هیچ شك و تردیدی نمی شود ولی رسول الله ε از این نهی شدید کردند که این ممکن است باعث فتنه و فحشا گردد.

(1) صحیح، أخرجه أحمد وابن حبان.

[باب: جنازه را مردان حمل میکنند نه زنان]

13 - أبو ساعد الخدري π روایت می‌کند که رسول الله ε فرمودند: إذا وضعت الجنازة واحتملها الرجال على أعناقهم فإن كانت سالحة قال: قدموني، وإن كانت غير سالحة قالت: يا ويلها أين يذهبون بها؟ يسمع صوتها كل شيء إلا الإنسان ولو سمعه لصعق⁽¹⁾.

هنگامی که جنازه گذاشته می‌شود و مردان آنرا بر دوش خود حمل می‌کنند، اگر شخص صالح بود، می‌گوید: مرا بجلو ببرید، و اگر بدکار بود می‌گوید: وای بر او، او را به کجا می‌برید، همه چیز صدای او را می‌شوند مگر انسان و اگر انسان صدای او را بشنود بی‌هوش می‌شود.

(1) البخاري.

[باب: منع کردن زنان از دخول به استخر شنا و مانند آن]

14 - از أبو الملیح الهذلي روایت است که بعضی از زنان شهر (حمص)⁽¹⁾ اجازه دخول به عایشه خواستند. عایشه گفت: ممکن است شما از کسانی باشید که به حمامهای عمومی (استخر شنا) داخل میشوند.

از رسول الله ﷺ شنیدم که میفرمود: ((أیما امرأة وضعت ثيابها في غير بيت زوجها فقد هتكت ستر ما بينها وبين الله))⁽²⁾.

هر زنی لباس خود را در غیر از خانه شوهرش بیرون آورد او ستر و پرده بین خود و بین خدا را پاره کرده است.

[نهی کردن زن از اینکه برهنه خود را به زن دیگری بچسپاند، و اینکه زن برای شوهرش زنان دیگر را توصیف نماید]

15 - عبدالله بن مسعود π روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمودند: ((لا تبأشر

(1) حمص: در حال حاضر یکی از شهرهای کشور سوریه می باشد.

(2) صحیح أخرجه الترمذی وابن ماجه.

نباید دو زن با جسمی برهنه به هم بچسبند، و آنرا برای شوهر خود توصیف ننمایند، چنانکه گویا شوهرش به طرف آن زن نگاه می‌کند.

[باب منع کردن زن از سخن در مقابل مردان
نامحرم، مگر در وقت ضرورت]

16 - أبو هريره τ روایت می‌کند که رسول الله ε فرمودند: ((التسبیح للرجال، والتصفیق للنساء)) (3).

تسبیح گفتن برای مردان است، و دست به هم زدن برای زنان است. این موضوع در وقت نماز است که وقتی امام اشتهباه کرد مردان می‌گویند: (سبحان الله) و زنان دو دست خود را به هم می‌زنند.

[باب: حرام بودن نیاحت و واویلا هنگام فوت]

(1) تباشر: جلد و جسم او به جلد و جسم زن دیگر بدون لباس (برهنه) برسد.

تنعتها: توصیف نماید.

(2) البخاري.

(3) متفق عليه.

17 - أم عطية ك روایت می‌کند كه :
 ((أخذ علينا النبي ﷺ عند البيعة أن لا ننوح، فما وَّقت مَنَّا امرأة
 غير خمس نسوة))⁽¹⁾.

رسول الله ﷺ هنگام بیعت با او،
 عهد و پیمان بست كه بر شخص مرده
 نیاخت⁽²⁾ نكنیم، و بجز پنج زن بقیه
 به این عهد و پیمان وفا نكردند.

[باب: جایز بودن سلام مرد بر زن، و سلام زن بر
 مرد هنگامی‌كه از فتنه ایمن باشد]

18 - أسماء بنت أبي بكر م روایت
 می‌کند كه رسول الله ﷺ بر جمعی از زنان
 كه در مسجد نشسته بودند عبور كرد و
 با دست خود بطرف ایشان اشاره به
 سلام نمود، و فرمود: ((إياكن وكفران المنعمين،
 إياكن وكفران⁽³⁾ المنعمين))⁽¹⁾.

(1) متفق عليه.

(2) النياحة: گریه و زاری با صدای بلند، و آنچه بدان ملحق می‌شود از
 به سر و صورت خود زدن، و جامه خود را پاره كردن و موی خود را
 تراشیدن، و غیر از اینها.

(3) كفران: المنعمين: این كه زن درباره شوهرش بگوید: بخدا سوگند يك
 ساعت هم از او خیری ندیدم.

بر حذر باشید از این که بر نعمت خدا کافر شوید، و آنرا دو بار تکرار نمودند.

[باب: جایز بودن سخن گفتن مردان با زنان، و زنان با مردان هنگام ضرورت بدون هیچ شك و تردید]
19 - أنس τ روایت می‌کند که رسول الله ε بر زنی که بر قبری ایستاده و گریه می‌کرد عبور کرد و فرمود: ((اتقي الله واصبري))⁽²⁾.
تقوا پیشه کرده صبر کن.

[باب: جایز بودن اینکه زن خود را بر مرد صالح عرضه کرده و درخواست ازدواج با او کند]
20 - أنس τ روایت می‌کند که: ((جاءت امرأة إلى رسول الله ε تعرض عليه نفسها، قالت: يا رسول الله ألك إلي حاجة؟ فقالت: بنت أنس: ما أقل حياءها واسوأها، قال: هي خير منك، رغبت في النبي ε فعرضت عليه نفسها))⁽³⁾.
زنی آمد و خود را برای ازدواج با

⁽¹⁾ صحيح أخرجه أحمد وأبو داود، والترمذي والبخاري في الأدب المفرد.

⁽²⁾ متفق عليه.

⁽³⁾ البخاري.

[باب: اینکه زن را نباید مجبور کرد با کسی که او را نمی خواهد به ازدواج در آورد، و اگر ولی و سرپرست او بطور اجبار او را با کسی که نمی خواهد به ازدواج بیرون آورد، ازدواج او باطل است]

21 - عبدالله بن عباس م روایت می کند که : ((أَنَّ جَارِيَةَ بَكَرًا أَنْتَ النَّبِيِّ عَ فَذَكَرْتَ أَنَّ أَبَاهَا زَوْجَهَا وَهِيَ كَارِهَةٌ، فَخَيَّرَهَا النَّبِيُّ عَ))⁽¹⁾.

دختری باکره نزد رسول الله ع آمد و گفت که پدرش او را به ازدواج کسی در آورده که او را نمی خواهد و کراهت دارد، رسول الله ع او را به اختیار خودش گذاشت.

یعنی به او اختیار داد که اگر بخواهد نزد او بماند، وگرنه او را ترك کند.

(1) صحيح أخرجه أبوداود وابن ماجه.

[باب: جایز نیست که زن هنگام ازدواج شرط بگذارد که بعد از مرگ شوهرش ازدواج نکند]

22 - أم بشر گوید: ((أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ خَاطَبَ امْرَأَةَ الْبَرَاءِ بْنِ مَعْرُورٍ، فَقَالَتْ: إِنِّي شَرِطْتُ لَزَوْجِي أَنْ لَا أُتَزَّوَجَ بَعْدَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ هَذَا لَا يَصْلُحُ)) (1).

رسول الله ﷺ از زن البراء بن معرور خواستگاری کرد، زن در جواب گفت: من با شوهرم شرط بسته ام که بعد از مرگ او با دیگری ازدواج نکنم، رسول الله ﷺ در جواب فرمود: این شرط جایز نیست.

[باب: حرام بودن اینکه زن از شوهرش بدون هیچ سبب طلاق یا خلع (2) بخواند]

23 - ثوبان τ روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: ((أَيُّمَا امْرَأَةٍ سَأَلْتَ زَوْجَهَا الطَّلَاقَ فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ، فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ)) (3). هر زنی که بدون هیچ سبب از شوهرش طلاق بخواند بوی بهشت بر او حرام

(1) حسن أخرجه الطبراني في المعجم الكبير والصغير.

(2) خلع: طلاق دادن زن با گرفتن مالی از او، یا بخشیدن کابین خودش.

(3) صحیح رواه أصحاب السنن.

[باب: جایز بودن سرود دخترهای کوچک و دپ زدن هنگام عروسی و مانند این و گوش کردن مردها به آن]

24 - ربيع بنت معوذ روایت می‌کند که: ((جاء النبي ﷺ يدخل حين بُني عليّ، فجلس على فراشي كمجلسك مني، فحعلت جوهريات لنا يضرين بالدف ويندين من قتل من آبائي يوم بدر إذ قالت إحداهن: وفينا نبي يعلم ما في غد، فقال: دعي هذه وقولي بالذي كنت تقولين))⁽¹⁾.

وقتی عروسی کردم پیامبر آمد و چنانکه تو نشستی نشست، و بعضی از دخترهای (کوچک) برایمان دف زده و از پدرانمان که در غزوه بدر کشته شده بودند مرثیه می‌گفتند، و یکی از آن دختران گفت: و در بین ما پیامبری است که آنچه فردا خواهد بود میداند، آنحضرت ﷺ فرمود: این جمله را بگذار و آنچه قبل از این می‌گفتی بگو، مقصود انکار از (غیب دانستن پیامبر ﷺ می‌باشد).

[باب: اینکه حق شوهر بر همسر خود بسیار است]

(1) البخاري.

25 - از عبدالله بن أبي أوفى τ روایت است که رسول الله ε فرمودند: ((لو كنت أمراً أحداً أن يسجد لغير الله، لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها، والذي نفس محمد بيده لا تؤدي المرأة حق ربها حتى تؤدي حق زوجها، ولو سألها نفسها وهي على قنّب (1) لم تمنعه)) (2).

اگر امر می‌کردم که شخصی برای غیر از خدا سجده کند، امر می‌کردم که زن برای شوهر خود سجده کند، سوگند به کسی که جانم در دست اوست، زن حق خدا را ادا نمی‌کند [یعنی از او قبول نمی‌شود] تا اینکه حق شوهرش را ادا نماید، اگر از زن خود چیزی بخواهد، گرچه بر زین شتری هم باشد او را اجابت کرده و امتناع نمی‌ورزد.

[باب: فرشتگان زنی که در شب فراش شوهرش را ترک می‌کند او را لعنت می‌کنند تا اینکه صبح کند]

26 - أبوهريره τ از رسول الله ε روایت می‌کند که فرمودند: ((إذا باتت المرأة مهاجرة فراش زوجها، لعنتها الملائكة حتى ترجع)) (3).

(1) قنّب: زینی که بر کوهان (سنام) شتر گذاشته می‌شود، کنایه بر این است که فوراً امر او را اجابت می‌کند.

(2) صحیح أخرجه أحمد وابن ماجه وابن حبان.

(3) متفق علیه.

اگر زن فراش شوهرش را ترك كند، فرشتگان همچنان او را لعنت می‌کنند تا اینکه به فراشش باز گردد.

[باب: تحريم كفران العشير(كفر ورزیدن به نعمتهاي شوهر)]

27 - عبدالله بن عباس م روایت می‌کند که رسول الله ع فرمودند: ((أریت النار، فإذا أكثر أهلها النساء، يكفرن قيل: أيكفرن بالله؟ قال: يكفرن العشير، ويكفرن الإحسان، لو أحسنت إلى إحداهن الدهر ثم رأيت منك شيئاً قالت: ما رأيت منك خيراً قط))⁽¹⁾.

آتش جهنم به من نشان داده شد، و دیدم که بیشترین اهل و مردمان آن زنها را تشکیل می‌دهند، چون کفر می‌ورزند، گفته شد: به خدا کفر می‌ورزند؟ فرمود: به شوهر خود کفر می‌ورزد، و به نیکی‌های او کفر می‌ورزند، اگر به یکی از آنها يك دنيا نيکی و خوبی بکنی، و يك خطا و اشتباه و بدی از تو ببینند، می‌گویند: هرگز و هیچ خیری از تو ندیده ام.

[باب: اگر شوهر همسر خود را به معصیت و گناهی

(1) متفق عليه.

28 - از عائشه ل روایت است كه :
 ((أن امرأة من الأنصار زوجت ابنتها، فتمعط شعر رأسها،
 فجاءت إلى النبي ﷺ فذكرت ذلك له، فقالت: إن زوجها أمرني أن
 أصل في شعرها، فقال: لا، إنه قد لعن الموصلات⁽¹⁾))⁽²⁾.
 زنی از انصار دخترش را به ازدواج
 یکی بیرون آورد، و موهای سرش افتاد،
 و به نزد پیامبر ﷺ آمد و جریان را
 به او عرض نمود، و گفت: شوهرش به من
 امر کرده که برای او موهای دیگری
 (باروکه) بیاورم، آنحضرت ﷺ فرمودند،
 خیر اینکار مکن، چون کسانی که مو را
 وصل می‌کنند، لعنت شده اند.
 [باب: اینکه جایز نیست که زن از مال خود
 هدیه دهد مگر به اجازه شوهرش]

29 - رسول الله ﷺ فرمودند: ((لا يجوز
 للمرأة أمر في مالها إذا ملك زوجها عصمتها))⁽³⁾.
 جایز نیست که زن وقتی شوهر کرد

(1) موصلات: کسانی که مو را به موی دیگر می‌رسانند و متصل می‌کنند.

(2) متفق علیه.

(3) صحیح أخرجه أحمد والحاكم والنسائي وابن ماجه. وزاد: ((إلا بإذن زوجها))، والنسائي بلفظ ((هبة))، ولفظ: ((عطية))، بدلاً من ((أمر)).

[باب: خدمتکاری زن به شوهر و کسانیکه شوهر سرپرستی آنها را به عهده دارد]

30 - جابر بن عبد الله τ گوید: ((هَلِكْ

(¹) در کتاب (عون المعبود شرح سنن أبي داود 462/9-463) در شرح حدیث بطور خلاصه چنین آمده:

مقصود از مال خود، چون عقل و خرد زنان کم است، ناقص العقل هستند، پس نباید در مال خود تصرف کند مگر با مشورت شوهر خود، آنها از باب ادب و استحباب، پس اینجا نهی تنزیهی است، نه تحریمی، این قول بعضی از علماست.

علماء دیگر من جمله: اللیث بن سعد گفته اند: این بطور مطلق است، پس اگر هم زن رشید و عاقل باشد برایش جایز نیست که در مال خود تصرف کند نه در مقدار ثلث آن و نه هم کمتر مگر اینکه مال ناچیزی باشد طاووس و مالك گفته اند که: جایز است که به اندازه ثلث و کمتر از آن صدقه دهد، اما بیشتر از آن باید با اجازه شوهر باشد.

و جمهور علماء گفته اند که: جایز است که بطور مطلق و قطعی در مال خود تصرف کند بدون اجازه شوهر در مال خود تصرف کند، اگر نادان و ناخرد نباشد، وگرنه جایز نیست.

و در حدیث دیگری آمده که رسول الله ع وقتی برای زنان خطبه ویژه ای خواند فرمود: صدقه بدهید: زن گوشواره و انگشتر خود را می انداخت و بلال τ آنرا در جامه ی خود جمع می کرد، و این دلالت بر این دارد که بدون اجازه شوهر بوده است.

پدرم فوت کرد و هفت یا نه دختر
 بجا گذاشت، و من با زنی ثیبه (بیوه)
 ازدواج کردم، رسول الله ع به من گفت:
 ای جابر! آیا ازدواج کرده ای؟
 گفتم: بلی، آنحضرت ع فرمود: باکره
 یا ثیبه (با دختر و یا با زن)؟ گفتم
 با ثیبه، فرمود: آیا با دختری
 ازدواج نکردی که با او بازی کنی و
 او با تو بازی کند، و با او بخندی،
 و او با تو بخندد؟ جابر: به آنحضرت ع
 گفتم: عبدالله (پدرم) فوت کرد و دخترها
 را بجا گذاشت، و کراهت داشتم که
 مانند آنها با دختری ازدواج کنم، پس
 با زنی ازدواج کردم تا سرپرستی آنها
 را به عهده بگیرد، رسول الله ع فرمود:
 خدا به تو برکت دهد، یا فرمود: خوب

(۱) متفق علیه.

[باب: واجب بودن نفقه زن و فرزندانش بر شوهر]

31 - عائشه ل روایت می‌کند که: ((أَنَّ هِنْدًا بِنْتَ عْتَبَةَ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَبَا سَفِيَانَ رَجُلًا شَحِيحًا، وَلَيْسَ يَعْطِينِي مَا يَكْفِينِي وَوَلَدِي إِلَّا مَا أَخَذْتُ مِنْهُ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ، فَقَالَ: خُذِي مَا يَكْفِيكَ وَوَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ)) (1).

هند دختر عتبه گفت: ای رسول خدا! ابو سفیان مرد بخیلی است، و به من چیزی که کفایت خود و فرزندم باشد نمی‌دهد، مگر آنچه که من بدون علم او از او بگیرم، و او نداند.

حضرت ع فرمود: آنچه که برای خود و فرزندت کفایت کند بطور معروف (عدم اسراف) از او بگیر، (و مهم نیست که او نداد).

[باب: تحریم تغییر دادن خلق و آفریده خدا برای خوشگلی و زینت و آرایش]

32 - از عبدالله بن مسعود ت روایت است که گفت: ((لَعَنَ اللَّهُ الْوَأَشْمَاتَ وَالْمَسْتَوْشِمَاتَ، وَالنَّامِصَاتَ وَالْمَتَمِصَّاتَ، وَالْمَتَفَلِّجَاتَ لِلْحَسَنِ الْمَغْيِرَاتِ خَلْقَ))

(1) متفق علیه.

(وَمَا

أَتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا))⁽¹⁾.

خداوند خالكوب و خالكوب كننده و نامص (باريك كردن ابرو، و كسيكه براي ديگري اينكار را انجام ميدهد) و كسانيكه بين دندانهاي خود فاصله قرار ميدهند، و ميگشايند (براي زيبائي) و اينها همه از تغيير خلق و آفريده خداست، لعنت كرده است، پس چرا من كساني كه پيامبر آنها را لعنت كرده، لعنت كنم، و آنها در كتاب خداست كه ميفرمايد: آنچه را رسول خدا براي شما آورده بگيريد (و اجرا كنيد) و آنچه نهي كرده خوداري نمائيد، و از (مخالفت) خدا بپرهيزيد.

[باب: منع كردن زن از پوشيدن لباسهاي تنگ كه حجم جسم را نمايان ميكنند، و از لباسهاي شفاف كه جسم را آشكار مينمايد، و از لباسهاي کوتاه كه تمامي جسم را نپوشاند، و از جمع كردن مو بر بالای سر (كاكل) و حرام بودن همه اينها]

33 - أبو هريره τ روايت ميكنند كه رسول الله ε فرمودند: ((صنفان من أهل النار

(1) متفق عليه.

دو صنف از اهل آتش اند که آنها را ندیده ام، مردمانی هستند که تازیانه دارند مانند دم گاو، با آن به مردم می‌زنند، و زنانی هستند برهنه و عریان که لباسهای تنگ و شفاف و کوتاه بر تن می‌کنند، و از طاعت و فرمان خدا منحرف اند، و زنان دیگر را بطرف خود کشانده فاسد می‌کنند، و (موی) سرشان مانند سنام و کوهان شتر است که به اینطرف و آنطرف می‌رود، اینها به بهشت داخل نمی‌شوند، و بوی بهشت هم به مشامشان نمی‌رسد، در حالیکه بوی بهشت از مسافت چنین و چنان به مشام می‌رسد⁽²⁾.

(1) مسلم.

(2) در روایتی است که بوی بهشت از مسافت چهل سال به مشام می‌رسد.

کاسیات: زنی که لباسهای تنگ و شفاف و کوتاه می‌پوشد.
مانلات: از طاعت و فرمان خدا منحرف هستند.

[باب: نهي کردن زن از رساندن موهاي غير، و موهاي جعلی آوردن و زياد کردن موبا آن موهاي دروغين و بيان اینکه اين عمل از اخلاق يهوديان است]

34 - سعيد بن المسيب : گوید : معاويه τ به مدینه آمد و خطبه خواند و کبه ای از موبیرون آورد و گفت: فکر می‌کردم بجز يهود کسی دیگر اینکار را نمی‌کند، به رسول خدا ε این کار (رسیدن موبه موی سر زن) رسید، و آنرا جعلی و زور نامید. کبه: موی روی هم ریخته.

و در روایتی: ((أَنَّ معاوية قال ذات يوم: إنكم قد أحدثتم زي سوء، وإنَّ نبي الله ε نهى عن الزور، قال: وجاء رجل بعصاً على رأسها خرقة، قال معاوية: ألا وهذا الزور، قال قتادة (الرواي عن سعيد) يعني ما تكثر به النساء أشعارهن من الخرق))⁽¹⁾.

روزی معاويه τ گفت: بین شما لباسی

ممیلات: غیر از خود زنان دیگر را بطرف خود و عمل خود می‌کشاند (و فاسد می‌کنند).

البخت: نوعی از شتر است که کوهان و سنام بزرگ دارد.

السنام: کوهان شتر.

(1) مسلم.

قتاده راوی حدیث از سعید بن المسیب گفت: یعنی آنچه زنان به موهای خود از تکه پارچه ها وصل می‌کنند.

[باب: نهی زنان در جعلی کردن لباس و تظاهر به آنچه به آنها داده نشده]
35 - از عائشه ل: ((أَنَّ امْرَأَةً قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقُولُ إِنَّ زَوْجِي أَعْطَانِي مَالًا لَمْ يَعْطَنِي؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَتَشَبِعُ بِمَا لَمْ يَعْطِ كَلَابِسُ ثَوْبِي زُورًا))⁽¹⁾.

زنی به رسول الله ع گفت: (به زن شوهرم می‌گویم) که شوهرم به من (این و آن) را داده، در حالیکه در حقیقت چیزی به من نداده، (کنایه از افتخار کردن مقابل زن شوهر)، رسول الله ع فرمودند: تظاهر کننده به آنچه به او داده نشده مانند کسی است که

(1) متفق علیه.

[باب پوشیدن زنان كفشهاي بلند و بيان اينكه اين عمل از كردار زنان يهود است]

36 - أبو سعيد الخدري τ از رسول الله ε روايت می‌کند كه فرمودند: ((كانت امرأة من بني إسرائيل قصيرة تمشي مع امرأتين طويلتين فاتخذت رجلين من خشب، وخاتماً من ذهب مُعلق مُطبق ثم حشته مسكاً، وهو أطيّب الطيب، فمرت بين امرأتين فلم يعرفوها، فقالت بيدها هكذا، ونفض شعبة (أحد الرواة يده)) (2).

زنی از زنان بنی اسرائیل کوتاه قد

(1) در فتح الباري شرح صحيح البخاري 9 / 317-318 آمده كه: تظاهر كنده به آرایش و زینت به آنچه نزد او نیست، مانند زنی است كه نزد مردی است، و این مرد زن دیگری دارد، پس این زن نزد زن دیگر ادعا و افتخار می‌کند من نزد شوهرم چنین و چنان هستم (کنایه از اینکه مرا بیشتر دوست دارد و به من چیزها می‌دهد) و نزد او مقام و منزلتی خیلی خوب دارم، می‌خواهد كه زن دیگر را به خشم و غضب بیاورد.

وقول: (كلايس ثوبي الزور): مانند مردی است كه لباس زاهدان و پارسایان و پرهیزکاران می‌پوشد، و به مردم نشان می‌دهد كه از جمله آنهاست، ولی در حقیقت امر چنین نیست.

و امام خطابی می‌گوید: مقصود از لباس مثل است، و معنای آن این كه دروغگو است.

(2) مسلم.

[باب: نهی کردن زن از اینکه موی سر خود را در حج و غیر از حج بتراشد]

37 - از ابن عباس م روایت است که رسول الله ع فرمودند: ((لیس علی النساء الحلق، إنما علی النساء التقصیر))⁽²⁾.
بر زنان تراشیدن سر جایز نیست، بلکه بر آنها جایز است که موهای خود

(¹) در شرح امام نووی بر صحیح مسلم 9/15 چنین آمده: حکم این عمل که زن انجام داد در شریعت اسلام اگر قصد و نیت او خوب باشد مانند اینکه پوشیدن خود را بخواهد تا انیت و آزار نبیند، جایز است، اما اگر قصد افتخار و تکبر و تشبه به کسانی که کامل هستند و بلند قدمی باشند را داشته باشد، و مردان را گول بزند که او بلند قدم است، این عمل حرام است.

(²) حسن أخرجہ أبوداود والدارقطني والطبراني وأخرجہ الترمذي والنسائي من حديث علي .

[باب: رنگ کردن دستها و پاهای زن]

38 - از عائشه ل روایت است که:
 ((أومت امرأة من وراء ستر بيدها كتاب إلى رسول الله ع فقبض
 النبي ع يده، فقال: ما أدري أيد رجل أم يد امرأة قالت: بل امرأة،
 قال: لو كنت امرأة لغيرت أظفارها، يعني بالحناء))⁽¹⁾.
 زنی با دست خود از پشت پرده و
 حجاب نامه ای را به رسول الله ع داد،
 آنحضرت ع دست خود را کشید، و آنرا
 نگرفت، و فرمود: نمی‌دانم این دست
 مردی است یا دست زن، زن گفت: بلکه
 دست زن است، آنحضرت ع در جواب
 فرمود: اگر دست زن بود ناخنهای خود
 را با حنا تغییر می‌داد⁽²⁾.

[باب: پوشاندن زن صورت خود را در حضور مردان]

(1) حسن أخرجه أبوداود والنسائي.

(2) کنایه بر انکار آنحضرت ع بر زن است که چرا ناخنهای خود را با
 حنا رنگ نکرده، چون آنحضرت ع ندانست که این دست زن است یا دست
 مرد، به همین سبب دست خود را کشید و نامه را نگرفت که مبادا دست
 زن باشد، و او ع با زنان دست نمی‌گیرد، و بیعت با دست نمی‌کند، بلکه
 بیعت او با زنان با سخن است.

39 - از عبدالله بن عمر م روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: ((لا تتقب المرأة المحرمة ولا تلبس القفازين))⁽¹⁾.
 زنی که در احرام است صورت خود را با نقاب و روبند نپوشاند، و همچنین دست کش نکند⁽²⁾.

[باب: برای زن پوشیدن لباس حریر (أبریشم) و طلا جایز است]

40 - از أبو موسی الأشعري م روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: ((حرم لباس الحریر والذهب علی ذکور أمتي، وأحلّ لإنائهم))⁽³⁾.

پوشیدن لباس حریر و طلا برای مردان امت من حرام شده است، و برای زنان حلال است.

⁽¹⁾ البخاري.

⁽²⁾ این در هنگام احرام و نبودن مرد نامحرم است، و اگر مرد نامحرم حضور داشته باشد بایستی زن صورت خود را بپوشاند، حال در لباس احرام باشد و یا خیر.

⁽³⁾ حسن صحیح أخرجه أحمد والترمذي والنسائي.

[باب: پوشیدن لباس معصفر و مانند آن برای زنان مباح است]

41 - عبدالله بن عمرو بن العاص م روایت می‌کند که: ((رأى النبي ﷺ عليَّ ثوبين معصفرين فقال: أمك أمرتك بهذا؟ قلت: أغسلهما، قال: بل أحرقهما))⁽¹⁾.

پیامبر ﷺ دو لباس معصفر⁽²⁾ را بر تن من دید، و فرمود: مادرت بتو امر کرده که اینرا بپوشی؟ (یعنی این عمل را انکار کرد)، گفتم: آنرا می‌شویم؟ فرمود: بلکه آنرا بسوزان.

[باب: بر حذر داشتن زنان از نمایان کردن زینت و آرایش خود برای مردان نامحرم، طلا و لباسی که با رنگ (معصفر) سرخ و زرد و مانند آن باشد]

42 - از أبوهریره ر روایت است که پیامبر فرمودند: ((ويل للنساء من الأحمرين الذهب والمعصفر))⁽³⁾.

(1) مسلم.

(2) الثوب المعصفر: لباسی که با عصفَر رنگ شده است.

العصفر: گیاهی است که در زمین عرب است و با آن رنگ می‌کنند، و دو رنگ است سرخ و زرد.

أمك أمرتك: امام نووی گوید: معنای این جمله این است که: این لباس زنانه است.

(3) إسناده جيد، أخرجه ابن حبان والبيهقي في شعب الإيمان.

وای بر زانی (که دو چیز سرخ را برای مردان اجانب و نامحرم نمایان می‌کنند) طلا و لباس سرخ رنگ خود را.

[باب حرام بودن تشبیه زن با مردان در لباس و حرکت و سخن و مانند اینها]

43 - عبدالله بن عباس م روایت می‌کند که: ((لعن رسول الله ﷺ المتشبهين من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال))⁽¹⁾.

پیامبر ﷺ زانی که خود را به مردان همانند می‌کنند، و مردانی که خود را به زنان همانند می‌کنند لعنت فرموده است.

والحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه وسلّم

(1) البخاري.